۱۴۹ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۵۱ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۵۳ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۵۵ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۵۷ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۵۹ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۶۱ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۶۳ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۶۵ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۶۷ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۶۹ ◇◇◇

جنبه عرفانی و نزدیک شدن به خدا و بیان ایمان و روح عالی انسانی به خوبی نمایان است». (بهمین سادگی وزیبایی ص ۶۱-۶۶)

دکتر شفیعی کدکنی (م.سرشک) محقق و شاعر نامی معاصر در سروده‌ی « سر منزل خورشید» شهریار را با اوصاف و نعوتی توصیف می‌کند که پیران راهدان و عارف را بدان ها می‌خوانند.

صفاتی چون :« کعبه امید»، « آیینه خورشید»، « میخانه رندی»، « پیر»، «زیارتگه رندان»، «سلطان فقر»، «گلشن جاوید»، « حضرت سیمرغ» .به ابیاتی از ان سروده اشاره می‌شود:

از بـــیم گـــذشتیم و بـــه امید رسیدیم با سـایه به سر منزل خورشید رسیدیم
با توشه ای از تشنگی و شوق در این راه رفـــتیم و بـــدان کعـــبه امید رسیدیم
این شبـنم و آن سایه در آیینه‌ی خورشید محـــویم که از شرک به توحید رسیدیم
آن سوی بیـــابان طلب مـــــطلب ما بود در حـــضرت سیمرغ به تجرید رسیدیم..

(همانجا ص ۱۰۵)

این کعـــبه مقـــصود و زیارتگه رنـــدان ما سـوی تو با صـد سـحر امید رسیدیم
دیـــدیم ترا دســـتگه سلـــطنت فقر وز جـــرعه‌ی جام تو به جمشید رسیدیم
ای برگ خزان پیـــش بهار تو چه سنجد اکنون که بـــدان گلشـن جاوید رسیدیم

(همانجا ص ۱۰۵)

استاد مهرداد اوستا درباره‌ی عرفان شهریار در مقاله ای با عنوان « شهریار و شیوه سخن او» گوید:

« تخیل شهریار که نقش عمده ای در استقلال سبک و امتیاز شیوه‌ی او دارد و حد و مرزی نمی‌شناسد، حتی بدان پایه که پای از محدوده‌ی متعارف شرایط معانی بیان فراتر می‌نهد، تخیلی زنجیر گسل و دیوانه است، همان ویژگی والایی که سنایی را از شاعران همچون عنصری، فرخی، امیر معزی و دیگر خداوندان سخن ممتاز می‌سازد.

۱۷۱ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇